

گرفته شده، به همین خاطر اتهام توتالیتر، به حکومت اسلامی و حاکم اسلامی بی‌ربط است. به هر روی نمی‌توان با فرضیه تبدیل انرژی به ماده و تبادر تبدیل فکر به ساختار و استبدادی بودن آن، حکم به استبدادی بودن حکومت دینی داد. در این صورت هر گونه قانونی (از آنجا که قوانین برای حفظ نظم اجتماعی به وجود می‌آیند، و از هابز تاکنون این موضوع روشن است) در جهان عین استبداد است. چراکه قانون، نمی‌تواند جز قراردادهایی برای ایجاد نظم اجتماعی باشد. شیعه دارای یک فقه ضد استبدادی و مصلحت‌گراست که ارزش‌های اخلاقی را از فطرت اخذ می‌کند و در میان ارزش‌های فطری، به «عدالت» جایگاه رفیعی را اختصاص داده است.

در تفکر شیعه، آزادی معطوف به عدالت است و نمی‌تواند آن را لغو کند. ما منشأ عدالت را خداوند می‌دانیم که طبق شرایع، جبر را از انسان برمی‌دارد تا او، خود راه صلاح و خطا را انتخاب نماید. ایده شیعه، یک فقه حداقلی و یک نظام اخلاقی حداکثری است.

گزارش‌گر: حسین احمدی

## از انقلابی‌گرایی تا اصلاح‌طلبی

منوچهر آشتیانی

ایران، ش ۲۸، ۷/۱۳۸۸، ۴۳۴۰

آقای آشتیانی در این مقاله به بیان تذکراتی در رابطه با انقلاب‌گرایی و اصلاح‌طلبی اشاره دارند و در این راستا چند نکته را یادآور می‌شوند.

۱. در هر حرکت توسعه‌مند و رشدیابنده، وجوه و جنبه‌های مثبت و منفی گوناگونی وجود دارند که مسیر و خط سیر این حرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهند و این وجوه گاه مکمل هم و گاه مخرب هم می‌باشند.

۲. در جریان گسترده تکامل عام اجتماعات بشری، عمومیت کلی با «اصلاح‌طلبی»، رفورمیسم است و انقلاب‌ها بیشتر اشکال خاص و دربرگیرنده نقاط عطف اصلاحات می‌باشند. به بیان دیگر؛ در هر فرآیند انقلابی‌ای آثاری از جریان‌های اصلاح‌طلبی دیده می‌شود و بالعکس وقتی فرآیند اصلاح‌طلبی‌ای در جامعه‌ای و در برهه‌ای از تاریخ بارکود و سکون و شکست مواجه شد، مادر آستانه ورود به فرآیند انقلاب در آن جامعه قرار می‌گیریم.

۳. انقلاب‌ها همواره جریان‌های نیرومند و فراگیر اجتماعی - تاریخی‌ای هستند که قسمت‌های اصلی (یا حداقل بخش‌های مهمی) از عناصر و سازه‌های نظام گذشته را در هم می‌ریزند و از میدان تاریخ کنار می‌زنند و به جای آنها نظم نوینی را ایجاد می‌کنند که در نتیجه انسان‌های آن جامعه را با گام‌های بلندی به پیش می‌رانند. هر چند انقلاب‌ها به مشابه «لکوموتیوهای تاریخ» همواره پیش برنده، پاک‌سازنده و فرابازکننده جوامع هستند،

بازتاب اندیشه ۱۱۵

۷۰  
گزارش‌ها

مع الوصف پیوسته پس از هر انقلابی و تا مدت‌ها بقایایی از جریان‌های گذشته در بدنه انقلاب باقی می‌ماند و گاه همین رسوب‌ها هستند که آبخور تفکران اصلاح‌طلبان را تشکیل می‌دهند.

۴. فرآیند اصلاح‌طلبی (رفورمیسم)، من حیث ماهیت آن و براساس مقاصد تاریخی‌ای که در پیش دارد، همواره یا دو جریان اجتماعی مهم و شاخص آن همراه می‌گردد: یکی «تجدید نظرخواهی» و دیگری «فرصت‌طلبی».

«تجدید نظرخواهی» رویکرد اصلی اصلاح‌طلبی است و در این موضع‌گیری است که تخصص اصولی اصلاح‌طلبان با انقلاب‌گرایان پدیدار می‌گردد. اصلاح‌طلب غالباً به این بهانه که برای حفظ بعضی از اصول باید اصول دیگری را کنار نهد، به مرور از اصول اساسی انقلاب فاصله می‌گیرد و مراعات اصول فرعی را جای‌گزین آن اصول اصلی می‌سازد و بدین‌گونه پس از مدتی از کلیت و تمامیت انقلاب قلب ماهیت می‌شود و اصالت و رسالت تاریخی آن انقلاب منع می‌گردد. اما «فرصت‌طلبی» وجه ثانوی اصلاح‌طلبی است و این گرایش غالباً با عمل‌گرایی و منفعت‌جویی و ابزارگرایی همراه است.

۵. وجود تعاطی دائمی تمایلات میان امپریالیست‌ها، اصلاح‌طلبان و مرتجعین و محافظه‌کاران در اکثر کشورهای جهان، یک موضوع شخصی و خصوصی نیست؛ بلکه این نمودار یک واقعیت تاریخی است که اصلاح‌طلبان (رفورمیست‌ها) همواره طالب آنند که تنعم و رفاه نسبی روزمره اقشار متوسط جامعه را جانشین بسط عدالت و تساوی امکانات برای همگان سازند.

مزارش‌گر: حسن مفلو

## بازاندیشی لیبرالیسم و حقوق بشر

گراهام واتسون / هاشم ببناءپور

فرهنگستان، ش ۱۱۳، ۱۳۸۸/۷/۱۵

آقای گراهام واتسون در این گفت و گو از وضعیت حقوق بشر معاصر، از منظر لیبرالیسم سخن‌سرایی می‌کند. وی بر آن است که موسع‌ترین نگرش‌های حقوق بشری، امروزه امکان بروز و ظهور دارند. واتسون معتقد است که اکنون ایده‌های ما در باب حقوق بشر بسیار گسترده‌تر شده است و حتی‌المقدور این امکان فراهم آمده است که در بین لیبرال‌ها، در باب حقوق بشر، بحث‌ها و مجادلاتی صورت می‌گیرد. برخی ممکن است استدلال کنند که حقوق زنان ریشه در حقوق بشر دارد. برخی ممکن است استدلال کنند که این طور نیست. اما حقیقت نشانگر این نکته است که در اینجا حد و مرزی وجود دارد که ما را به سمت حقوق بشر رهنمون کرده است تا جایی که آنها به ما می‌گویند ما در این مجادلات موفقیتهای